

(وَمِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ) الْحَمْدُ لِلَّهِ الدَّالُّ عَلَى وُجُودِهِ بِخَلْقِهِ، وَبِمُحَدَّثِ خَلْقِهِ عَلَى أَرْزَلِيَّتِهِ، وَبِاشْتِبَاهِهِمْ عَلَى أَنْ لَا شَبَهَ لَهُ، لَا تَسْتَلِمُهُ الْمَشَاعِرُ، وَلَا تَحْجُبُهُ السَّوَاتِرُ، لِإِفْتِرَاقِ الصَّائِعِ وَالْمَصْنُوعِ، وَالْحَادِّ وَالْمَحْدُودِ، وَالرَّبِّ وَالْمَرْبُوبِ، الْأَحَدِ لَا بِتَأْوِيلِ عَدَدٍ، وَالْخَالِقِ لَا بِمَعْنَى حَرَكَةٍ وَنَصَبٍ، وَالسَّمِيعِ لَا بِأَدَاءٍ، وَالْبَصِيرِ لَا بِتَفْرِيقِ آلِهِ، وَالشَّاهِدِ لَا بِمُمَاسَّةٍ، وَالْبَائِنِ لَا بِتَرَاحِي مَسَافَةٍ، وَالظَّاهِرِ لَا بِرُؤْيَةٍ، وَالْبَاطِنِ لَا بِلَطَافَةٍ، بَانَ مِنَ الْأَشْيَاءِ بِالْقَهْرِ لَهَا وَالْقُدْرَةَ عَلَيْهَا، وَبَانَ الْأَشْيَاءُ مِنْهُ بِالْخُضُوعِ لَهُ وَالرَّجُوعِ إِلَيْهِ، مَنْ وَصَفَهُ فَقَدْ حَدَّهُ، وَمَنْ حَدَّهُ فَقَدْ عَدَّهُ، وَمَنْ عَدَّهُ فَقَدْ أَبْطَلَ أَرْزَلَهُ، وَمَنْ قَالَ كَيْفَ؟ فَقَدْ اسْتَوْصَفَهُ، وَمَنْ قَالَ أَيْنَ؟ فَقَدْ حَيَّزَهُ، عَالِمٌ إِذْ لَا مَعْلُومَ، وَرَبٌّ إِذْ لَا مَرْبُوبَ، وَقَادِرٌ إِذْ لَا مَقْدُورَ.

مِنْهَا: قَدْ طَلَعَ طَالِعٌ وَلَمَعَ لَامِعٌ وَلَا حَ لَا نَيْحٌ وَاعْتَدَلَ مَائِلٌ، وَاسْتَبَدَلَ اللَّهُ بِقَوْمٍ قَوْمًا، وَبِیَوْمٍ یَوْمًا، وَانْتَظَرْنَا الْغَیْرَ انْتِظَارَ الْمُجْدِبِ الْمَطَرِ، وَإِنَّمَا الْأَيْمَةُ قَوْمٌ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَعُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ، لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَصَّكُمْ بِالْإِسْلَامِ، وَاسْتَخْلَصَكُمْ لَهُ، وَذَلِكَ لِأَنَّهُ اسْمٌ سَلَامَةٌ وَجَمَاعُ كَرَامَةٍ، اصْطَفَى اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُجَهُ، وَبَيَّنَّ حُجَجَهُ، مِنْ ظَاهِرِ عِلْمٍ وَبَاطِنِ حُكْمٍ، لَا تَفْنَى غَرَائِبُهُ، وَلَا تَقْضَى عَجَائِبُهُ، فِيهِ مَرَابِيعُ النِّعَمِ، وَمَصَابِيحُ الظُّلْمِ، لَا تُفْتَحُ الْخَيْرَاتُ إِلَّا بِمَفَاتِحِهِ، وَلَا تُكْشَفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِمَصَابِحِهِ، قَدْ أَحْمَى حِمَاهُ، وَارْعَى مَرْعَاهُ، فِيهِ شِفَاءُ الْمُشْتَفَى، وَكَفَايَةُ الْمُكْتَفَى.



مِنْهَا: وَ هُوَ فِي مُهَلَّةٍ مِنَ اللَّهِ يَهْوِي مَعَ الْغَافِلِينَ، وَيَغْدُو مَعَ الْمُذْنِبِينَ، بِلَا سَبِيلٍ  
قَاصِدٍ، وَلَا إِمَامٍ قَائِدٍ.

مِنْهَا: حَتَّى إِذَا كَشَفَ لَهُمْ عَنْ جَزَاءِ مَعْصِيَتِهِمْ، وَ اسْتَخَرَجَهُمْ مِنْ جَلَابِيبِ  
غَفْلَتِهِمْ، اسْتَقْبَلُوا مُدْبِرًا، وَ اسْتَدْبَرُوا مُقْبَلًا، فَلَمْ يَنْتَفِعُوا بِمَا أَدْرَكُوا مِنْ طَلِبَتِهِمْ، وَ  
لَا بِمَا قَضَوْا مِنْ وَطْرِهِمْ. وَ إِنِّي أُحَذِّرُكُمْ وَ نَفْسِي هَذِهِ الْمَنْزِلَةَ، فَلْيَنْتَفِعْ امْرُؤٌ  
بِنَفْسِهِ، فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَ انْتَفَعَ بِالْعَبْرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا  
وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي، وَ الضَّلَالَ فِي الْمَغَاوِي، وَ لَا يُعِينُ عَلَى  
نَفْسِهِ الْغَوَاةَ: بِتَعَسُّفٍ فِي حَقِّ، أَوْ تَحْرِيفٍ فِي نُطْقٍ، أَوْ تَخَوْفٍ مِنْ صِدْقٍ. فَأَفِئ  
أَيْهَا السَّامِعُ مِنْ سَكْرَتِكَ، وَ اسْتَيْقِظْ مِنْ غَفْلَتِكَ! وَ اخْتَصِرْ مِنْ عَجَلَتِكَ، وَ أَنْعِمِ  
الْفِكْرَ فِيمَا جَاءَكَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - مِمَّا لَا بُدَّ مِنْهُ، وَ  
لَا مَحِيصَ عَنْهُ، وَ خَالِفْ مَنْ خَالَفَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ، وَ دَعَهُ وَ مَا رَضِيَ لِنَفْسِهِ، وَ  
ضَعَّ فَخْرَكَ، وَ احْطُطْ كِبْرَكَ، وَ اذْكُرْ قَبْرَكَ فَإِنَّ عَلَيْهِ مَمْرَكَ، وَ كَمَا تَدِينُ  
تُدَانُ، وَ كَمَا تَزْرَعُ تَحْصُدُ، وَ مَا قَدَّمْتَ الْيَوْمَ تَقْدُمُ عَلَيْهِ غَدًا، فَاْمَهْدْ لِقَدَمِكَ، وَ  
قَدِّمْ لِيَوْمِكَ، فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ أَيُّهَا الْمُسْتَمِعُ، وَ الْجِدَّ الْجِدَّ أَيُّهَا الْغَافِلُ وَ لَا يُنْبِتُكَ  
مِثْلُ خَبِيرٍ:

إِنَّ مِنْ عَزَائِمِ اللَّهِ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ الَّتِي عَلَيْهَا يُثِيبُ وَ يُعَاقِبُ، وَ لَهَا يَرْضَى وَ  
يَسْخَطُ، أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ عَبْدًا - وَ إِنِ اجْتَهَدَ نَفْسَهُ وَ أَخْلَصَ فِعْلَهُ - أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا  
لَا قِيًّا رَبَّهُ بِخِصْلَةٍ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ لَمْ يُتَبَّ مِنْهَا: أَنْ يُشْرِكَ بِاللَّهِ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ



مِنْ عِبَادَتِهِ، أَوْ يَشْفِي غَيْظَهُ بِهَلَاكِ نَفْسٍ، أَوْ يُعَرِّبُ بِأَمْرِ فَعَلَهُ غَيْرُهُ، أَوْ يَسْتَجِجَ  
حَاجَةً إِلَى النَّاسِ بِإِظْهَارِ بَدْعَةٍ فِي دِينِهِ، أَوْ يَلْقَى النَّاسَ بِوَجْهَيْنِ، أَوْ يَمْشِي فِيهِمْ  
بِلِسَانَيْنِ، اعْقِلْ ذَلِكَ فَإِنَّ الْمَثَلَ دَلِيلٌ عَلَى شَبِيهِهِ:

إِنَّ الْبُهَائِمَ هَمَّهَا بُطُونُهَا، وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمَّهَا الْعُدْوَانُ عَلَى غَيْرِهَا، وَإِنَّ النَّسَاءَ  
هَمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا، إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْتَكِينُونَ، إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ  
مُشْفِقُونَ، إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ.

### ستایش خدا

خداشناسی (شناخت صفات خدا)

ستایش خداوندی را که با آفرینش بندگان بر هستی خود راهنمایی فرمود، و آفرینش پدیده‌های نو، بر ازلی بودن او گواه است، و شباهت داشتن مخلوقات به یکدیگر دلیل است که او همتایی ندارد، حواس بشری ذات او را درک نمی‌کند، و پوششها او را پنهان نمی‌سازد، زیرا سازنده و ساخته‌شده، فرا گیرنده و فرا گرفته، پروردگار و پرورده، یکسان نیستند! یگانه است نه از روی عدد، آفریننده است نه با حرکت و تحمل رنج، شنواست بدون وسیله شنوایی، و بیناست بی آنکه چشم گشاید و برهم نهد، در همه جا حاضر است نه آن که با چیزی تماس



گیرد، و از همه چیز جداست، نه اینکه فاصله بین او و موجودات باشد، آشکار است نه با مشاهده چشم، پنهان است نه به خاطر کوچکی و ظرافت، از موجودات جداست که بر آنها چیره و تواناست، و هر چیزی جز او برابرش خاضع و بازگشت آن به سوی خداست. آنکه خدا را وصف کرد، محدودش نمود و آنکه محدودش کند، او را به شمار آورده، و آنکه خدا را به شمار آورد، ازلیت او را باطل کرده است، و کسی که بگوید: خدا چگونه است؟ او را توصیف کرده، و هر که بگوید: خدا کجاست؟ مکان برای او قائل شده است، خدا عالم بود آنگاه که معلومی وجود نداشت، پرورنده بود آنگاه که پدیده‌ای نبود و توانا بود آنگاه که توانایی نبود.

#### عظمت امامان دوازده گانه و قرآن

همانا طلوع کننده‌ای آشکار شد، و درخشنده‌ای درخشید و آشکارشونده‌ای آشکار گردید، و آنکه از جاده حق منحرف شد به راه راست بازگشت، خداوند گروهی را به گروهی تبدیل، و روزی را برابر روزی قرار داد، و ما چونان مانده در خشکسالان که در انتظار بارانند، انتظار چنین روزی را می‌کشیدیم. همانا! امامان دین، از طرف خدا، تدبیرکنندگان امور مردم، و کارگزاران آگاه بندگانند، کسی به بهشت نمی‌رود جز آنکه آنان را شناخته، و آنان او را بشناسند، و کسی در جهنم سرنگون نگردد جز آنکه منکر آنان باشد و امامان دین هم وی را نپذیرند، همانا خدای متعال شما را به اسلام اختصاص داد و برای اسلام برگزید،



زیرا اسلام نامی از سلامت است، و فراهم کننده کرامت جامعه می باشد، راه روشن آن را خدا برگزید، و حجت های آن را روشن گردانید.

### ویژگی های قرآن

قرآن را فرو فرستاد که ظاهرش علم، و باطنش حکمت است، نوآوری های آن پایان نگیرد و شگفتی هایش تمام نمی شود، در قرآن برکات و خیرات چونان سرزمین های پر گیاه در اول بهاران، فراوان است، و چراغ های روشنی بخش تاریکی های فراوان دارد، که در نیکی ها جز با کلید های قرآن باز نشود، و تاریکی ها را جز با چراغ های آن روشنایی نمی توان بخشید، مرزهایش محفوظ، و چراغ هایش را خود نگهبان است، هر درمان خواهی را درمان، و هر بی نیازی طلبی را کافی است.

### وصف گمراهان و غفلت زدگان

چند روز از طرف خدا به گمراه، مهلت داده شده، و او با غافلان و بی خبران در راه هلاکت قدم می نهد، و تمام روزها را با گناهکاران سپری می کند، بی آنکه از راهی برود تا به حق رسد و یا پیشوایی برگزیند که راهنمای او باشد. و تا آن زمان که خداوند کیفر گناهان را می نماید، و آنان را از پرده غفلت بیرون می آورد به استقبال چیزی می روند که بدان پشت کرده و پشت می کنند بدانچه روی آورده بودند، پس نه از آنچه آرزو می کردند و بدان رسیدند سودی بردند، و نه



از آنچه حاجت خویش بدان روا کردند بهره‌ای به دست آوردند، من، شما و خود را از اینگونه غفلت زدگی می‌ترسانم.

### درمان غفلت زدگیها

هر کس باید از کار خویش بهره گیرد، و انسان بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه نمود، پس به درستی نگریست و آگاه شد، و از عبرتها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود، و از افتادن در پرتگاهها، و گم شدن در کوره‌راهها، دوری کرد، و کوشید تا عدالت را پاس دارد و برای گمراهان جای اعتراض باقی نگذارد، که در حق سختگیری کند، یا در سخن حق تحریف روا دارد، یا در گفتن سخن راست بترسد. پس بهوش باش ای شنونده! و از خواب غفلت بیدار شو، و از شتاب خود کم کن، و در آنچه از زبان پیامبر (ص) بر تو رسیده اندیشه کن، که ناچار به انجام آن می‌باشی و راه فراری وجود ندارد، و با کسی که رهنمودهای پیامبر (ص) را بکار نمی‌بندد و به جانب دیگری تمایل دارد مخالفت کن و او را با آنچه برای خود پسندیده رها کن، فخرفروشی را واگذار، و از مرکب تکبر فرود آی. به یاد قبر باش که گذرگاه تو به سوی عالم آخرت است، که همانگونه به دیگران پاداش دادی به تو پاداش می‌دهند، و آنگونه که کاشتی، درو می‌کنی، آنچه امروز، پیش می‌فرستی، فردا بر آن وارد می‌شوی، پس برای خود در سرای آخرت جایی آماده کن، و چیزی پیش فرست ای شنونده! هشدار، هشدار، ای غفلت زده! بکوش، بکوش. (هیچ کس جز خدای آگاه تو را باخبر نمی‌سازد.



## صفات ناپسند نابودکننده

از واجبات قطعی خدا در قرآن حکیم که بر آن پاداش و کیفر می دهد و به خاطر آن خشنودشده یا خشم می گیرد، این است که اگر انسان یکی از صفات ناپسند را داشته و بدون توبه خدا را ملاقات کند، هر چند خود را به زحمت اندازد، یا عملش را خالص گرداند فایده ای نخواهد داشت. و آن صفات ناپسند اینکـه: شریکی برای خداوند در عبادات واجب برگزیند، یا خشم خویش را با کشتن بی گناهی فرو نشاند، یا بر بیگناهی به خاطر کاری که دیگری انجام داده عیبجویی کند، یا به خاطر حاجتی که به مردم دارد بدعتی در دین خدا بگذارد، یا با مردم به دو چهره ملاقات کند، و یا در میان آنان با دو زبان سخن بگوید، در آنچه گفتم نیک بیندیش که هر مثال را همانند فراوان است.

## روانشناسی

همانا! تمام حیوانات در تلاش پر کردن شکمند، و درندگان در پی تجاوز کردن به دیگران، و زنان بی ایمان تمام همتشان آرایش زندگی و فسادانگیزی در آن است، اما مومنان فروتنند، همانا مومنان مهربانند، همانا مومنان از آینده ترسانند.